

### معرفی کتاب :

خط مقدم فمینیسم : جنگ و مقاومت (از دیدگاههای مختلف)

مترجم : فاطمه رئیسی

---

#### اشاره:

این کتاب مشتمل بر چند مقاله است و نویسنده این کتاب معتقد است : فمینیسم همیشه در خط مقدم مبارزه است. البته کاربرد فمینیسم صرفاً مساله نظامی نیست، بلکه بیشتر به مسائل رفاهی زنان، کنترل اجتماعی و بیگاری کشیدن از زنان توجه می کنند. به هر حال زنان می دانند که زندگی آنها در معرض خطر است.

والر<sup>۱</sup> و رزنجا<sup>۲</sup> می گوید: فمینیست ها اغلب اندیشه های انسانها را به چالش می طلبند. در کنفرانس ریورساید کالیفرنیا که در سال ۱۹۹۷ برگزار شد، مجموعه مقالات مربوط به اولویت های عناوین مربوط به فمینیسم چاپ و مطرح گردید. همه موضوعات بیان شده. متقن و اساسی بود. بیشتر مسائلی که در آنجا مطرح شد مربوط به شرکت زنان در ارتش بود که اغلب به صورت مسالمت آمیزی در مقابل رژیم های ظالم مقاومت و پایداری می کردند.

زوریکا مرسویک<sup>۳</sup>: استاد دانشگاه حقوق در بلگراد - علت اصلی جنگ در یوگسلاوی را خشونت های خانگی می داند، در آنجا هیچ قانون مدونی برای این مسائل وجود نداشت و رفتارهای خشونت خانگی روز به روز در حال افزایش بود و حتی به بردن

---

1- waler

2- Rycenga

3- Zorica Mrseric

از خانه هم کشیده می‌شد و البته باید گفت که خشونت‌های خانگی یک موضوع مربوط به حقوق بشر در سطح بین‌المللی است.

فمینیست در بسیاری از کشورها جنگی در سطح ملی بوجود آورده است. فمینیست‌های صرب و کروات در جنگ‌ها و جنبش‌های ملی گرایانه مقاومت کردند.

لیا ملادونیک<sup>۱</sup> و دنا، ام‌هیوگس<sup>۲</sup> در اوایل دهه ۱۹۹۰ در باره فعالیت‌های متحجرانه فمینیست‌ها در بلغراد مطالبی را نوشته‌اند. فمینیست‌ها گروه‌های مختلفی را پایه‌گذاری کردند که عبارتند از: خطوط بحران SOS، مجلس زنان، زنان در تاریکی (یک گروه مخالف جنگ‌ها)، مرکز مقابله با تجاوز جنسی زنان، مرکز دختران، مرکز مطالعات زنان، مرکز مشاوره، دو مرکز جداگانه برای زنان آسیب‌دیده اجتماعی، مرکز نشر و انتشارات فمینیستی، مرکز بررسی آسیب‌های تجاوز جنسی، دو خانه برای زنان مجرد و فراری از ایالت کراچینا<sup>۳</sup> (بخشی از صربستان که کروات‌ها به آنجا مهاجرت و فرار کردند).

یکی گروه حمایتی و پشتیبانی در مقابل خطرات تهدیدکننده زنان، گروه حمایت از معلولین، یک مرکز برای زنان کولی.

تمام زنانی که در این مرکز اشتغال داشتند الزاماً با مسائل امنیتی و ملی‌گرایی درگیر نبودند. زنانی که نگرش‌های ملی‌گرایانه داشتند، هیچ‌کدام عضو این گروه‌ها نشدند.

اولین اعتراضات نسبت به نظامی‌گری در سال ۱۹۹۱ توسط مادرانی صورت گرفت که مردان آنها را به سربازی فراخواندند. البته علت این اعتراض‌ها ترس از این بود که کروات‌ها و مسلمین با هم می‌خواهند به جنگ برخیزند. تا پاییز سال ۱۹۹۱ زنان ضد ملی‌گرایی و گروه‌های ضد نظامی‌گری با تظاهرات‌های آرام به صورت هفتگی نارضایتی خود را نشان می‌دادند.

<sup>۱</sup>- Lepa Mladenovic  
<sup>۲</sup>- Donna M. Hughes  
<sup>۳</sup>-Krajina

ونزا کسیک<sup>۱</sup> - پایه گذار گروه حقوق بشر زنان در کروات - در مقاله اش می نویسد: فمینیستها در کروات در موقعیتهای چالش انگیز و پرنشیب و فرازی قرار داشتند و ملی گرایان فمینیست را نقطه مقابل نظامی گری می دانستند. این کتاب نیز شامل جنبش های زنان کروات و مسلمانان بوسنیایی است که در خلال جنگ مجبور به ترک وطن شدند.

مدارک دیگر در مورد فمینیست ها نشان می دهد که گروه های کمونیستی بلغراد بعد از جنگ در سال ۱۹۹۵، دوباره بوجود آمدند و تغییراتی را درباره ی نکات خنده دار، گریه آور و داستانهای گوناگون بوجود آوردند. در سال ۱۹۹۷ فمینیستها کنفرانس صلح را در یوگوسلاوی برگزار کردند. محور این کنفرانس بحث زنان در جنگ ها بود. بعد از مدتی که از جنبش فمینیسم گذشت، آنها اعتراف کردند که خسته هستند و می گفتند که هر کسی که ۵ متر به ما نزدیکتر می شد احساس پر خاشگرانه داشتیم. به هیچ کس پاسخ نمی دادیم.

از تلفن و کامپیوتر به عنوان یک ابزار، متنفر بودیم. از مراجعین زن بیزار بودیم. از زنانی که قربانی خشونت بودند زیادی شنیده بودیم و نمی توانستیم به طور واضح به آنها بفهمانیم که از آنها بیزاریم. بعضی اوقات فکر می کردیم که تنهاترین فرد بر روی زمین هستیم. پشت سر هم مریض می شدیم. خوابهای پریشان می دیدیم. به گروه های کوچک و کوچکتر تقسیم شدیم تا به این تعارضات بیشتر فکر کنیم. در مورد زن گرایی احساس بدی داشتیم. به زندگی خصوصی خودمان بی اعتنا شده بودیم. به فرزندانمان توجهی نداشتیم ولی با این حال ما هنوز فمینیست بودیم، در حالیکه صلح طلب هم بودیم و برای حقوق زنان می جنگیدیم.

ما دائماً در کارهایمان با تاخیر مواجه بودیم. بدون علت گریه می کردیم. وقتی می خواستیم حرفهایمان تاثیر داشته باشد مثل گریه ها، گریه می کردیم. در سروگوشمان صدای زنگ می پیچید و احساس مطلق بودن داشتیم.

ما به هیچ کسی اعتقادی نداشتیم. از خودمان می پرسیدیم که از جامعه پدرسالاری چه انتظاری داریم. کلاً مثل کسی که دچار اختلالات روانی شده با نهضت های اجتماعی مواجه می شدیم. هر مطلبی را که بدست می آوردیم زندگی را برای ما راحت تر نمی کرد. با تمام این گفته ها ما زنان قوی بودیم، هرکاری را برای تغییرات بعدی انجام می دادیم. وقتی فکر می کردیم چگونه طرح های فمینیستی بوجود آمدند متحیر می شدیم خصوصاً زمانی که جنگ ها به داخل شهرها وارد می شد و زنان مجبور به مقاومت بودند.

در مقاله جیلا اسورسکی<sup>۱</sup> اصلاح طلب صهیونیستی نوشته شده است که اولین گروه زنان در تاریکی (زنان مخالف با جنگ ها) در اسرائیل در ژانویه ۱۹۸۸ به اعمال تروریستی در اشغال سرزمینهایشان در جنگ سال ۱۹۶۷ اعتراض کردند. آنها به زبان عبری، عربی و انگلیسی می گفتند: «اشغال زمینها را رها کنید.» آنها هنوز هم به صورت آرام هر جمعه به تظاهرات آرام دست می زنند و همه افرادی که در این تظاهرات شرکت می کنند الزاماً فمینیسم نیستند ولی تمام اعمال و رفتارهایشان به دیدگاه فمینیسم شبیه است و از تمام فراگردهای فمینیسم استفاده می کنند. در خلال اولین انتفاضه فلسطینی ها، آنها اولین گروهی بودند که برای صلح گامهای موثری را برداشتند و با اشغال سرزمینها بسیار مخالف بودند. زنان گروه تاریکی در تل آویب و حیفا و ۳۹ منطقه دیگر در اسرائیل دست به فعالیت زدند و در سالهای ۱۹۸۸ تا ۹۱ حدود ۵۰۰۰ زن در این مساله مشارکت داشتند.

مقاله سرویسکی در مورد ملاقات زنان اسرائیلی با زنان فلسطینی بود. آنها درزمینه مصالحه در منطقه جوسالم، کنفرانس‌های بروکسل، نیورک، ایتالیا، مالتا و ژنو قبل از مذاکرات سیاسی در توافقنامه اسلو در سال ۱۹۹۳ به نتایجی رسیدند. آنها با گروه وسیعی از زنان مذاکره کردند.

اسکوسکی می‌گوید: واقعاً چرا زنان زودتر از مردان به مذاکره پرداختند. ایدئولوژی زنان در تاریکی به تمام کشورهای جهان کشیده شد. انجمن حقوق بشر آسیا در مانیل در واقع گروهی از زنان بودند که علیه خشونت زنان اعتراض کردند. در آلمان گروه دیگری نسبت به جنگ خلیج (فارس) معترض بودند. آنها در مقابل نازیسم‌های جدید و نژادپرستی علیه کارگران مهاجر به این کشور مقاومت کردند. در جنوب هند علیه بنیان‌های هندوئیسم به مقابله برخاستند. در مسائل فراتسینکو نسبت به عدم توجه به بی‌خانمانها اعتراض کردند. در ایتالیا به جنگ و جنایتهای سازماندهی شده در این کشور اعتراض کردند. هم‌چنین در استرالیا به خشونت‌های خانگی معترض بودند و البته زنان گروه تاریکی در بلگراد به صورت زنان قهرمان درآمدند.

در مقاله ایزیس ناصر<sup>۱</sup> که خودش را یک فلسطینی می‌داند که از اسرائیل آمده است. گفتگوی تخیلی بین خود و دوست اسرائیلی‌اش بنام هیلا تنظیم کرده است. پاسخهای هیلا به صورت مصاحبه ترتیب داده شده است. در این گفتگوی خیال پردازانه هیلا می‌گوید علاقمند است آرزوی خانوادگیش را تحقق بخشد و وارد سیستم نظامی و ارتش شود. او معتقد است نظامی‌گری به وی هویت می‌دهد و تمام زندگی‌اش در نظامی‌گری خلاصه می‌شود.

از نظر وی آموزش نظامی نه تنها در مدارس بلکه در پیشاهنگی، خیابانها و رسانه‌های گروهی امکان‌پذیر است. اوبه یادیک آواز ناراحت کننده در دوران کودکی می‌افتد که می‌گوید: نه به خاطر رنگ چشم‌هایت که شبیه آسمان آبی است تو را دوست می‌دارم بلکه برای این دوستت دارم که تو یک سرباز رزمنده‌ای نه بیشتر و نه کمتر.

در قسمتی از گفتگوی وی ناصر می‌نویسد که در مدرسه به خاطر انتقاد قتل عام پناهندگان فلسطینی در اوائل دهه ۸۰ در صبر او شتیلا و همچنین کشتار چادر نشینان پناهنده در لبنان که توسط سربازان مسیحی انجام شد از سوی معلم تاریخش مورد ملامت قرار گرفت. معلمش به وی گفته با گفتن این مطالب نامت به لیست زنان تاریخ وارد خواهد شد. هیلا می‌گوید مقاومت‌های فمینیستی در جامعه اسرائیل کار راحتی نیست.

بعضی اوقات حس می‌کنم که آمادگی ندارم و یا توان مقاومت از من سلب شده است.

در نهایت ناصر می‌گوید: من مقاومت را به عنوان یک شرط برای زنده ماندن می‌دانم، یک فعالیت لازم و ضروری برای تعریف خودم و توصیفی از هویت شخصیتی می‌دانم.